

## روش شناسی کلامی خضر رازی

حسین هنرخواه<sup>۱</sup>

### چکیده

نجم الدین خضر رازی حبلرودی از متکلمان امامیه در قرن نهم هجری است. روش کلامی وی، ترکیبی از عقل فلسفی و نقل و حیانی است؛ هر چند در آثار کلامی او بهره گیری از ادله عقلی بر ادله نقلی غلبه دارد. وی بسیاری از صفات ثبوتیه و سلبیه خداوند را از واجب الوجود بودن خداوند استنتاج کرده است. اگر چه او در مباحث کلامی رویکرد فلسفی دارد، اما در مواردی دیدگاه فلاسفه را نقد کرده که قاعده «الواحد» و «اتحاد نفس ناطقه با عقل فعال» از آن جمله است. ایشان در پژوهش‌های کلامی خود از علوم عقلی و نقلی (منطق، فلسفه، اصول فقه، ادبیات و تاریخ) استفاده کرده است.

**واژه‌های کلیدی:** خضر رازی، روش شناسی کلامی، روش عقلی، روش نقلی، تأویل.

---

۱. دانش آموخته سطح چهار مرکز تخصصی علم کلام، موسسه امام صادق علیه السلام، رایانامه: [ayat.honarkhah@gmail.com](mailto:ayat.honarkhah@gmail.com)

## ۱. شخصیت و آثار

نجم الدین خضر بن محمد بن علی رازی حبلرودی<sup>۱</sup> یکی از متکلمان برجسته امامیه در قرن نهم هجری است (سبحانی، ۱۴۲۴، ۳: ۲۰۱). از تاریخ ولادت و وفات وی، اطلاع دقیقی وجود ندارد، ولی گفته‌اند تا سال ۸۵۰ (بغدادی، ۱۹۵۱، ۱: ۳۴۶) یا ۸۵۲ هجری (رازی، ۱۴۲۴: ۵) زنده بوده است. وی، علوم عقلی را در شیراز (افندی، ۱۴۳۱، ۲، ۲۳۷؛ سبحانی، ۱۴۲۴، ۳: ۲۰۰) از شمس الدین محمد، فرزند سید شریف جرجانی فرا گرفت (افندی، ۱۴۳۱، ۲: ۲۳۶). خضر رازی بعد از جدایی از استاد خود، برای زیارت عتبات عالیات عازم عراق شد (ر، ک: افندی، ۱۴۳۱، ۲: ۲۳۷)، و برخی از آثار خود را در شهر حله و کربلا به نگارش در آورد (همان). او به شهر نجف اشرف هجرت، و دروس خود را در آنجا تکمیل کرد (حکیم، ۱۴۲۷، ۴: ۱۴۸)، و در آنجا کتابدار کتابخانه امام علی علیه السلام بود (ر. ک: رازی، ۱۴۲۴: ۱۴؛ امین، ۱۴۰۳، ۶: ۳۲۳). درباره محل دفن خضر رازی در کتاب‌های تراجم گزارشی نشده است، ولی برخی معتقدند در نجف اشرف دفن شده است (امینی، ۱۴۱۳، ۱: ۳۸۶-۳۸۷).

میرزا عبدالله افندی، خضر رازی را با اوصافی مانند: فاضل، عالم، متکلم، فقیه جلیل و جامع بیشتر علوم توصیف کرده است (افندی، ۱۴۳۱، ۲: ۲۳۶). شیخ حرّ عاملی نیز از وی با تعبیراتی همچون: «عالم، فاضل، ماهر، محقق، مدقق، امامی و کسی که اعتقادات او صحیح است» یاد کرده است (حرّ عاملی، بی تا، ۲: ۱۱۰). از شاگردان وی گزارشی یافت نشده است.

بر اساس گزارش کتاب‌های تراجم، آثار علمی خضر رازی بیشتر مربوط به علم منطق و کلام است. کتاب‌های وی در زمینه علم منطق عبارتند از: «القوانین» (افندی، ۱۴۳۱، ۲: ۲۳۸؛ سبحانی، ۱۴۲۴، ۳: ۲۱۰)، «کاشف الحقائق فی شرح رساله درة المنطق» (افندی، ۱۴۳۱، ۲: ۲۳۸؛ مدرس، ۱۳۶۹، ۲: ۱۳۸)، «جامع الدقائق فی شرح رساله غرة المنطق» (همان)، که این دو کتاب اخیر در حقیقت شرح کتاب استاد خود یعنی شمس الدین محمد است (افندی، ۱۴۳۱، ۲: ۲۳۸).

۱. حبلرودی منطقه‌ای است از نواحی ری، واقع میان ری و مازندران (افندی، ۱۳۴۱ق، ۲: ۲۳۷) که در زمان حاضر دهستانی است واقع در شهر فیروزکوه.

آثار وی در زمینه علم کلام عبارتند از: «التوضیح الأتور بالحجج الواردة لدفع شبهه الأعور»، «تحفة المتقین فی اصول الدین»، «التحقیق المبین فی شرح نهج المسترشدين فی اصول الدین»، «جامع الدرر فی شرح الباب الحادی عشر»، «مفتاح الغرر لفتح باب الحادی عشر» و «جامع الاصول فی شرح رسالة الفصول». برخی دو کتاب «اثبات الائمة الاثنی عشر علیهم السلام» و «کتاب فی الامامة» را به خضر رازی نسبت داده‌اند (ر، ک: رازی، ۱۴۲۴: ۵) که در کتاب‌های تراجم نامی از این دو کتاب به عنوان تألیف وی ذکر نشده است.

## ۲. روش تألیفی و تدوینی خضر رازی

آثار کلامی خضر رازی دو گونه‌اند: آثار مستقل و آثار شرحی. گونه نخست آثاری‌اند که او خود به تألیف آنها اقدام کرده است، و گونه دوم، شرح آثار کلامی دیگران است.

### ۲-۱. آثار مستقل

۲-۱-۱. التوضیح الأتور فی الحجج الواردة لدفع شبهه الأعور: این کتاب پاسخی است به اشکالات کتاب «رسالة المعارضة فی الرد علی الرافضة» که توسط شیخ یوسف فرزند مخزوم واسطی اعور در قرن ۷ هجری در رد مذهب شیعه نوشته شده است (امین، ۱۴۰۳، ۶: ۳۲۳). پیش از وی، کتاب «انوار البدرية فی کشف شبهة القدیة» که توسط عزالدین حسن بن محمد بن علی مهلبی حلی (آقا بزرگ تهرانی، ۱۴۰۳، ۲: ۴۱۹) در پاسخ به کتاب مزبور نوشته شده بود، اما کتاب «التوضیح الأتور» کامل‌تر و پرفایده‌تر است (همو، ۱۴۰۳، ۴: ۴۱).

این کتاب دارای هشت فصل است: ۱. حقانیت شیعه بعد از وفات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله؛ ۲. پاسخ به اشکالات دلایل اقامه شده بر وجوب امامت امام علی علیه السلام؛ ۳. دلایل ارجحیت امام علی علیه السلام بر دیگر صحابه؛ ۴. اختلافات مربوط به برخی از مسائل اعتقادی؛ ۵. اختلافات درباره برخی از مسائل فقهی؛ ۶. عیب‌های خلفای سه گانه؛ ۷. تأویل‌های فاسد و مطالب دروغ و مورد تمسخر؛ ۸. تعداد فرقه‌های رافضی و بیان فرقه‌های گمراه.

خضر رازی در این کتاب ابتدا شبهه أعور را با تعبیر «قال الأعور» نقل و سپس غالباً با تعبیر «قلْتُ» یا «قلنا» به آن پاسخ می‌دهد.

۲-۱-۲. تحفة المتقين في اصول الدين: این کتاب مختصر، از پنج مقصد تشکیل شده است، که هر مقصدی به ترتیب درباره توحید، عدل، نبوت، امامت و معاد است.

## ۲-۲. آثار شرحی

۲-۲-۱. التحقيق المبين في شرح نهج المسترشدين في اصول الدين: کتاب نهج المسترشدين خلاصه‌ای است از مباحث کلامی که علامه حلی آن را برای پسرش فخرالدین محمد نگاشته است (آقا بزرگ تهرانی، ۱۴۰۳، ۱۴: ۱۶۱). این کتاب دارای دوازده فصل است: ۱. تقسیم معلومات؛ ۲. اقسام ممکنات؛ ۳. احکام معلومات؛ ۴. احکام موجودات؛ ۵. اثبات واجب الوجود و صفات او؛ ۶. احکام صفات واجب الوجود؛ ۷. در باب اموری که بر خداوند محال است؛ ۸. عدل؛ ۹. فروع عدل الهی؛ ۱۰. نبوت؛ ۱۱. امامت؛ ۱۲. امر به معروف و نهی از منکر. برای این کتاب شرح‌های مختلفی نوشته شده است (ر، ک: همو، ۱۴۰۳، ۱۴: ۱۶۱-۱۶۳) که شرح خضر رازی از آن جمله است. وی بعد از جدایی از استاد خود و عزیمتش به سوی عراق این کتاب را به نگارش در آورد و در شهر حله در سال ۸۲۸ به اتمام رساند (همو، ۱۴۰۳، ۳: ۴۸۴).

۲-۲-۲. جامع الدرر في شرح الباب الحادی عشر: علامه حلی کتاب «مصباح المتهدج» شیخ طوسی را که در ده باب تنظیم شده بود، به صورت مختصر بنام «منهاج الصلاح في اختصار المصباح» در آورد (همو، ۱۴۰۳، ۳: ۵). وی، به درخواست وزیر محمد فرزند قوه‌دی، بایی را مربوط به اصول دین به آن اضافه کرد بنام «الباب الحادی عشر فیما يجب علی عامة المتکلمین من معرفة اصول الدین» (همان) که دارای هفت فصل است: ۱. اثبات صانع؛ ۲. صفات ثبوتی؛ ۳. صفات سلبی؛ ۴. عدل؛ ۵. نبوت؛ ۶. امامت؛ ۷. معاد. بر این کتاب، حواشی و تعلیقات متعددی نوشته شده است (همان). خضر رازی نیز شرحی مفصل بنام «جامع الدرر» بر این کتاب نوشت، سپس آن را تلخیص کرد و «مفتاح الغرر لفتح باب الحادی عشر» نام نهاد (رازی، بی تا (الف): ۳؛ افندی، ۱۴۳۱، ۲: ۲۳۷).

۲-۲-۳. جامع الاصول في شرح رسالة الفصول: خواجه نصیرالدین طوسی کتابی درباره علم کلام به زبان فارسی نوشته است بنام «فصول نصیریة»، که آن را در چهار فصل توحید، عدل، نبوت و معاد تنظیم کرده است (آقا بزرگ تهرانی، ۱۴۰۳، ۱۶: ۲۴۶). این کتاب توسط محمد بن علی جرجانی از شاگردان علامه حلی به عربی

برگردانده شد (همو، ۱۴۰۳، ۴: ۱۲۲). بر متن عربی این کتاب شرح‌های مختلفی نوشته شده است (همو، ۱۴۰۳، ۱۶: ۲۴۷)، که شرح خضر رازی بنام «جامع الاصول» از آن جمله است. وی، این کتاب را به درخواست برخی از مؤمنین (همو، ۱۴۰۳، ۵: ۴۱) در شهر کربلا به نگارش در آورد و در شهر مشهد در سال ۸۳۴ هجری به اتمام رساند (افندی، ۱۴۳۱، ۲: ۲۳۷).

### ۳. بهره‌گیری از علوم مختلف در مباحث کلامی

خضر رازی در آثار و مباحث کلامی خود از علوم عقلی و نقلی بهره‌گرفته است.

#### ۳-۱. علوم عقلی

##### ۳-۱-۱. منطق

خضر رازی علاوه بر بهره‌گیری از قواعد منطقی که امری گریزناپذیر است، در مواردی از اصطلاحات و قواعد خاص منطق به صراحت نام برده است، که عموم و خصوص مطلق (رازی، بی تا (الف): ۷۸)، دلالت مطابقی، التزامی و تضمینی (همو، ۱۴۲۴: ۴۵۳)، مصادره به مطلوب (همو، ۱۴۲۴: ۲۸۱) و عکس مستوی (همو، بی تا (ب): ۲۲۴) از آن جمله است.

ایشان، در مقام استدلال از انواع استدلال‌ها بهره‌گرفته است، و سعی ایشان در نوشتن مباحث کلامی بر آن بود که ادله مطرح شده را در قالب قیاس تنظیم کند. از این رو انواع قیاس اقتراعی، استثنایی، خلف و مساوات را فراوان به کار برده است (رازی، بی تا (الف): ۳۱، ۳۵، ۳۸، ۳۹، ۱۳۹۸، ۲۷، ۳۲؛ ۱۴۲۴: ۲۰).

به عنوان نمونه، برای اثبات حادث بودن تمام موجودات به غیر از خداوند، به صورت قیاس شکل اول این گونه استدلال می‌کند: «تمام موجودات به غیر از خداوند ممکن هستند، هر ممکنی محدث است، پس تمام موجودات به غیر از خداوند محدث می‌باشند» (همو، بی تا (الف): ۳۱). و برای اثبات علم خداوند این گونه استدلال می‌کند: «خداوند فاعل مختار است، هر فاعل مختاری عالم است، پس خداوند عالم است» (همو، بی تا (الف): ۳۸).

##### ۳-۱-۲. معرفت‌شناسی

خضر رازی از تقسیم علم به تصور و تصدیق (همو، بی تا (الف): ۶) که از اولیات

مباحث معرفت شناسی است، برای اثبات علم خداوند به ذات خود و موجودات استفاده کرده است (همو، بی تا (الف): ۳۸).

رویکرد معرفتی خضر رازی به ویژه در مسایل اعتقادی جزم گرایی است. وی، بر این باور است که تصدیق به یک قضیه باید از روی جزم و مطابق با واقع باشد؛ زیرا در اصول، یقین معتبر است، و اگر جزم منتفی شود، تصدیق به صورت ظنی خواهد شد، به همین دلیل، ثبات از بین می‌رود، در نتیجه تصدیق تقلیدی می‌شود (همو، بی تا (الف): ۶)، در حالی که تقلید در اصول دین کفایت نمی‌کند (همو، ۱۳۹۸، ۲۳؛ ۱۴۲۴: ۴۵۲).

خضر رازی بر این باور است که وجوب نظر و تفکر اگر چه نظری است، ولی از جمله نظریات جلی است که نام دیگر آن «فطریة القیاس» است (همو، بی تا (الف): ۱۶)؛ چنان که قضایایی چون «علم به علت تامه مستلزم علم به معلول است» (همو، بی تا (الف): ۴۹)، و «تقدم وجود مؤثر بر وجود اثر» (همو، بی تا (ب): ۱۵۳) ضروری و بدیهی‌اند.

ایشان به معرفت شهودی درباره برخی از مسایل کلامی نیز معتقد است؛ چنان که در بحث رؤیت خداوند بر این باور است که عدلیه و امامیه رؤیت را به معنای کشف تام معنا کرده‌اند؛ با این توضیح که خداوند برای بندگان صالح خداوند کشف و ظهور پیدا می‌کند؛ به گونه‌ای که نسبت شیء منکشف با ذات مخصوص، مانند نسبت دیدن با چشم است درباره امورات مادی و متغیر، ولی با این فرق که حقیقت کشف از خصوصیات مادی مانند ارتسام، مسافت، محاذات، زمان و مکان مجرد است (همو، ۱۴۲۴: ۲۷۱).

### ۳-۱-۳. فلسفه

خضر رازی از زمره متکلمان عقل‌گرای فلسفی به حساب می‌آید، که با مبانی فلسفی مسائل کلامی را تقریر، تبیین، و به اشکالات پاسخ می‌دهد. حاشیه وی بر کتاب نهج‌المسیرشدین به ویژه شش فصل اول که بیشتر صبغه فلسفی دارد، نشان از تسلط او بر مباحث فلسفی است.

خضر رازی بر این باور است که وجود، زائد بر ماهیت است (رازی، بی تا (ب): ۲۸) و این مطلب را به اکثر حکماء و متکلمان محقق نسبت می‌دهد (همو، بی تا (ب): ۲۶). ولی درباره وجود واجب معتقد است که زاید نیست بلکه عین حقیقت واجب است

(همان). همچنین وی، قائل است که وجود مشترک معنوی است (همو، بی تا (ب): ۳۰).

وی، قبل از اثبات واجب الوجود، به دلیل آنکه اثبات شیء فرع بر تصور آن است ابتدا معقولات را به سه قسم واجب، ممکن و ممتنع تقسیم، و سپس هر کدام را تعریف می‌کند (همو، بی تا (الف): ۱۸-۱۹).

او قاعده فلسفی «الواحد لا یصدر عنه الا الواحد» که احکام زیادی توسط فلاسفه بر آن مبتنی شده است را انکار کرده است (همو، بی تا (ب): ۱۵۷).

ایشان از برهان وجوب و امکان برای اثبات خداوند، تقریرهای مختلفی ارائه کرده (همو، بی تا (الف): ۲۴) که از جمله آنان، تقریر برهان وجوب و امکان، بدون نیاز به ابطال دور است (همو، بی تا (الف): ۲۷-۲۸؛ بی تا (ب): ۱۶۸).

مرحوم رازی، اصل فلسفی «متناع تخلف معلول از علت تامه» را در اثبات واجب به کار برده (همو، بی تا (الف): ۲۶)، و با اصل دیگر یعنی «محال بودن اجتماع دو علت تامه بر معلول واحد» واحد بودن خداوند را اثبات می‌کند (همو، ۱۳۹۸: ۲۷). همچنین، با استفاده از قاعده فلسفی «واجب الوجود، واجب من جمیع الجهات» احتیاج خداوند در زمینه صفات را نفی می‌کند (همو، بی تا (الف): ۷۰-۷۱).

خضر رازی، برای اثبات علم خدا به ذات و ماسوای ذات، از مجرد بودن خداوند که مقتضای وجوب ذاتی او است، استفاده کرده است (همو، بی تا (الف): ۳۸). همچنین، با استفاده از قاعده فلسفی «علم به علت مستلزم علم به معلول است»، علم خداوند به تمام معلول‌ها را اثبات کرده است (همو، بی تا (الف): ۳۸-۳۹).

ایشان، با نفی لذت و ألم حسی از خداوند، بر این باور است که لذت عقلی که نامش همان ابتهاج است برای خداوند بدون شک حاصل است، زیرا لذت عقلی همان ادراک کمال از جهت کمال است، و با توجه به این که خداوند کمال حقیقی است و از طرف دیگر ادراک او تام است پس خداوند بیشترین ابتهاج و لذت را از ذات خود می‌برد. و این که شرع اجازه اطلاق اسم ملتذ را برای خداوند نداده، دلالت بر نفی لذت از خدا نمی‌کند (همو، بی تا (الف): ۵۵-۵۶).



#### ۴-۱-۳. اصول فقه<sup>۱</sup>

خضر رازی در برخی از مباحث کلامی که زمینه طرح بحث‌های اصول فقه در آن وجود داشته از قواعد اصولی بهره برده است. وی نسبت به عمومی بودن عدم ادراک خداوند با چشم بصری درباره سخن خداوند ﴿لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ﴾ (انعام: ۱۰۳) این گونه استدلال می‌کند که کلمه «الابصار» جمع محلی به «ال» است. جمع محلی به «ال» مفید عموم است یعنی خصوصیت جمع ملاک نیست، بلکه عمومیت حکم برای تک تک افراد است. در نتیجه گفتار کسانی که معتقدند این آیه ادراک جمیع ابصار را نفی می‌کند نه ادراک بعض از ابصار، باطل می‌شود (همو، ۱۴۲۴: ۲۷۳؛ بی تا (الف): ۶۴).

ایشان، در موارد مختلف از اجماع استفاده می‌کند (همو، ۱۳۹۸، ۳۶؛ بی تا (الف): ۶۲؛ ۱۴۲۴: ۴۷۶، ۵۹۸). به عنوان نمونه، او برای اثبات کفر محاربین امام علی علیه السلام، بعد از ذکر روایت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله «یا علی حربک حربی و سلمک سلمی»، می‌گوید: «محارب با رسول الله صلی الله علیه و آله کافر است بالاجماع» (همو، ۱۴۲۴: ۴۴)، در نتیجه محارب امام علی علیه السلام کافر است. وی، معتقد است که اجماع اهل سنت اگر بر فرض صحیح باشد برای امامیه بالاتفاق، حجت نیست (همو، ۱۴۲۴: ۴۷۶).

خضر رازی در مواردی به ظاهر آیات (همو، ۱۴۲۴: ۲۳۵ و ۲۴۷) و روایات (همو، ۱۴۲۴: ۱۸۱) استدلال کرده است. به عنوان نمونه وی از ظاهر سخن خداوند ﴿وَقُلْ رَبِّ اِزْهْمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا﴾؛ و بگو: «پروردگارا! همان گونه که آنها مرا در کوچکی تربیت کردند، مشمول رحمتشان قرار ده!» (اسراء: ۲۴) برای اثبات ایمان پدر و مادر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله استدلال کرده است؛ زیرا اگر آن دو کافر بودند خداوند به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دستور نمی‌داد که برای آن دو، طلب رحمت کند (همو، ۱۴۲۴: ۴۱۱). در آثار وی، درباره علم هیأت، نجوم و طب مطلب قابل توجهی که مرتبط با مسائل کلامی باشد، یافت نشد.

۱. شهید مطهری اصول فقه را در شمار علوم عقلی آورده است و وجه این کار را نیز این چنین بیان می‌کند: «علم اصول، نظر به اینکه سر و کارش با محاسبات عقلی و ذهنی است و موشکافی زیاد دارد، علمی شیرین و دلپذیر است و ذهن دانشجو را جلب می‌کند. برای ورزش فکری و تمرین دقت ذهن در ردیف منطق و فلسفه است. طلاب علوم قدیمه دقت نظر خود را بیشتر مدیون علم اصول می‌باشند (مطهری، ۱۳۹۰، ۳: ۲۹).

۱-۲-۳. ادبیات

خضر رازی از علم لغت و قواعد عربی در پاره‌ای از مسائل کلامی استفاده کرده است. از باب مثال، در تعریف نبوت، از معنای لغوی آن که به معنای مکان مرتفع است، بهره گرفته (همو، بی تا (الف): ۸۷) و در تعریف تکلیف به معنای لغوی آن یعنی مشقت اشاره کرده است (همو، بی تا (الف): ۷۹).

ایشان در بحث رؤیت خداوند که عقلاً محال است، با استناد به اهل لغت که کلمه «لن» بر نفی ابد دلالت می‌کند بر این باور است که آیه «لَنْ تَرَانِي» (اعراف: ۱۴۳) بر نفی رؤیت بصری در تمام اوقات حتی در زمان آخرت نیز دلالت می‌کند (رازی، بی تا (الف): ۶۳).

خضر رازی، پس از بیان این مطلب که پدران پیامبران از کفر پاک هستند بر این باور است که آن کسی که بت‌ها را به عنوان خدای خود انتخاب کرد، آذر عمو یا دایی حضرت ابراهیم علیه السلام بوده است و اطلاق «أب» بر او در آیه «وَ إِذْ قَالَ اِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ اُزْرَأْ تَتَّخِذُ اَصْنَامًا آلِهَةً» (انعام: ۱۴) از باب مجاز است (رازی، ۱۳۹۸: ۳۲-۳۳؛ بی تا (الف): ۹۷). وی، نسبت به شبهه شیخ یوسف اُغور مبنی بر این که امامیه معتقد است که تمام اسمای حسنی برای امام علی علیه السلام است در حالی که اسمای حسنی الهی به خداوند اختصاص دارد به دلیل سخن خداوند: «وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى» (اعراف: ۱۸۰) زیرا تقدیم خبر بر مبتدا مفید حصر است (رازی، ۱۴۲۴: ۵۴۴)، با تقسیم قصر به قلب، تعیین و افراد، به آن پاسخ می‌دهد (همان: ۵۴۶).

ایشان، بر این باور است که اطلاق جمع بر واحدی که بزرگوار باشد در لغت عرب مشهور است. در نتیجه حمل جمع بر واحد در صورت وجود قرینه جائز است. از این رو مراد از «والذین» در سخن خداوند «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ» (مائده: ۵۵) امام علی علیه السلام است و قرینه این مطلب اتفاق مفسران است که این آیه درباره آن حضرت علیه السلام نازل شده است (رازی، ۱۴۲۴: ۵۰). وی همچنین از این آیه به واسطه دلالت «نما» بر حصر، و مشهور بودن معنای اولویت در تصرف برای کلمه «ولی» در بین اهل لغت و کاربرد این معنا در عرف، امامت امام علی علیه السلام را اثبات می‌کند (همو، بی تا (ب): ۳۵۶-۳۵۷).

## ۲-۲-۳. تاریخ

خضر رازی در مباحث نبوت خاصه و امامت که صبغه‌ی نقلی بحث برجسته است، علاوه بر استناد به آیات و روایات، از گزارش‌های تاریخی نیز بهره برده است. وی، برای اثبات نبوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از معجزاتی مانند انشقاق قمر، جوشیدن چشمه آب از میان انگشتان دست آن حضرت صلی الله علیه و آله، و سیر شدن بسیاری از افراد در برابر طعام اندک استفاده می‌کند (همو، بی تا (الف): ۸۹).

ایشان با استناد به شواهد تاریخی به شبهه فرزند نداشتن امام حسن عسگری علیه السلام پاسخ داده است (همو، ۱۴۲۴: ۴۷۴-۴۷۵).

همچنین در پاسخ به اشکال یوسف مخزومی که ادعا کرده است خوابیدن امام علی علیه السلام در بستر پیامبر در کتاب‌های سیره و تاریخ گزارش شده و ظنی است، این گونه پاسخ می‌دهد که این فضیلت امام علیه السلام اگر چه در کتاب‌های سیره و تاریخ گزارش شده است، ولی مشهور و متواتر است (همو، ۱۴۲۴: ۲۳۳-۲۳۴)، در نتیجه مفید یقین است.

خضر رازی برای اثبات افضلیت امام علی علیه السلام نسبت به صفت شجاعت از گزارش‌های تاریخی و کتاب‌های سیره استفاده کرده است (همو، بی تا (ب): ۳۷۶-۳۷۷).

## ۴. جایگاه تفکر عقلی در روش کلامی خضر رازی

مسائل کلامی به سه دسته تقسیم می‌شوند: ۱. مسائلی که فقط از راه عقل قابل اثبات است مانند وجوب معرفت خداوند، اثبات وجود خداوند، اثبات علم، قدرت، حیات و حکمت خداوند؛ ۲. مسائلی که با عقل و نقل قابل اثبات است مثل توحید و عصمت پیامبر در عمل به شریعت؛ ۳. مسائلی که فقط با نقل قابل اثبات است مثل جزئیات برزخ و معاد. عقلی یا نقلی بودن روش یک متکلم، بیشتر در مسائل دسته دوم روشن می‌شود؛ زیرا در مسائل دسته اول راهی جز عقل، و در مسائل دسته سوم راهی جز نقل نیست.

خضر رازی به جایگاه عقل فلسفی در مسائل کلامی توجه ویژه‌ای داشته، از این رو ادله عقلی در آثار کلامی وی برجسته است. برای اینکه جایگاه عقل در روش کلامی خضر رازی، بیشتر نمایان گردد، نمونه‌هایی از مباحث کلامی ذکر می‌شود.

۱. پس از اثبات عقلی واجب الوجود بودن خداوند، برخی از صفات ثبوتی مانند قدیم، ازلی، باقی و ابدی بودن خداوند را به وسیله واجب الوجود بودن خدا اثبات کرده (رازی، بی تا (الف): ۴۸)، و برخی از صفات سلبی خدا مانند ترکیب، حال در محل شدن، محل بودن برای امور حادث، جهت دار بودن، اتحاد با غیر داشتن و لذت و ألم مزاجی را از خداوند سلب می‌کند (همو، ۱۳۹۸: ۲۴-۲۵).

۲. ألم و لذت مزاجی از خداوند با این استدلال نفی می‌شود که از اعراض بوده و ممکن الوجودند و هر ممکنی حادث است (همو، ۱۳۹۸: ۲۵)، در حالی که خداوند محل برای امور حادث واقع نمی‌شود.

۳. اثبات واحد بودن خداوند با سه دلیل عقلی (همان: ۲۶-۲۸) که تقریر یکی از ادله سه گانه به این صورت است که اگر دو واجب قادر باشند لازمه اش آن است که هیچ ممکنی به وجود نیاید؛ زیرا اگر ممکن محقق شود از دو حال خارج نیست: اگر منشأ وجود ممکن، هر دو واجب باشد، لازمه اش اجتماع دو علت تام بر معلول واحد می‌شود که آن محال است. و اگر منشأ وجود آن، یکی از دو واجب باشد، ترجیح بدون مرجح می‌شود که آن باطل است. پس لازم باطل است، و در نتیجه، ملزوم نیز باطل خواهد بود (همان: ۲۷).

۴. یکی از قواعد کلامی که در ابواب مختلف کلامی کاربرد دارد، قاعد لطف است. خضر رازی، عصمت پیامبران الهی (رازی، بی تا (الف): ۹۲)، اصل وجود امام (همان: ۱۰۱)، استحقاق عقاب (همان: ۱۵۰) و دائمی بودن ثواب و عقاب (همان: ۱۵۱) را با قاعده لطف اثبات می‌کند.

۵. با تمسک به قاعده قبیح بودن تقدیم مفضل بر فاضل، افضلیت پیامبر (همان: ۹۶) و امام (همان: ۱۱۳)، نسبت به مردم عصر خود را اثبات می‌کند.

۶. پس از اثبات این مطلب که خداوند جهت و مکان ندارد، آیات ﴿الرَّحْمَنُ عَلَی الْعَرْشِ اَشْتَوٰی﴾ (طه: ۵) و ﴿يَخَافُونَ رَبَّهُمْ مِنْ فَوْقِهِمْ﴾ (نحل: ۵۰) که ظاهر آن بر خلاف عقل است را تأویل می‌برد زیرا زمانی که بین عقل و نقل تقابل حاصل شود، عقل بر نقل ترجیح داده می‌شود؛ زیرا ثبوت نقل متوقف بر صدق رسول است و صدق رسول با عقل اثبات می‌شود، پس عقل نسبت به نقل، اصل است، و در نتیجه او مقدم می‌شود (رازی، بی تا (ب): ۲۲۸-۲۲۹).

همچنین وی، با توجه به استحاله رؤیت بصری خداوند در روز قیامت، کلمه

«نظر» در آیه «وَجُوهٌ يُؤْمِنُونَ بِمَا نُنزِّلُ مِنْ رَبِّهِمْ لَمْ يُكَلِّمُوا فِيهِمْ تَحِيَّةً وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَقِزُ وَجْهَهُ مِنَ الْعَذَابِ وَمِنْهُمْ مَنْ يُنْفِقُ كُنُفًى يَكْفُرُ بِهِمْ اللَّهُ الْمُبْتَدِعِينَ» (قیامت: ۲۲) را به معنای انتظار، و کلمه «الی» در آیه «إِلَىٰ رَبِّهَا نَاظِرَةٌ» (همان: ۲۳) را به معنای «واحد الآلاء» یعنی یکی از نعمت‌ها تأویل می‌برد (رازی، ۱۴۲۴: ۲۷۴).

استحاله ادراک خداوند با آلات جسمانی (همو، بی تا (ب): ۱۹۹)، نفی ترکیب از خداوند (همان: ۲۲۲)، محال بودن انجام فعل قبیح از خداوند (همو، ۱۴۲۴: ۲۸۵؛ بی تا (الف): ۷۷)، نفی جهت از خداوند (همو، بی تا (ب): ۲۱۵-۲۱۶)، نفی انفعال و تأثر در خداوند (همان: ۲۳۰)، اثبات بسیط الحقیقه بودن خداوند از تمام جهات و اعتبارات (همان: ۲۲۲)، اثبات غنای مطلق خداوند (همان: ۲۴۰)، اثبات عصمت پیامبران به وسیله دلیل وثوق (همو، بی تا (الف): ۹۳) و اثبات عقلی بودن حسن و قبح افعال (همان: ۷۳-۷۴)، نمونه‌های دیگری از بهره‌گیری خضر رازی از استدلال عقلی در مسایل کلامی است.

## ۵. جایگاه استدلال نقلی در روش کلامی خضر رازی

خضر رازی در لابه لای مباحث کلامی از آیات و روایات استفاده کرده است. پاسخ‌های وی به شبهات یوسف مخزومی، در کتاب «التوضیح الانور» که صبغه نقلی آن برجسته است، نشان از تسلط او بر آیات قرآنی و منابع روایی امامیه و اهل سنت دارد. اینک چند نمونه از کارکردهای نقل در مسائل کلامی که صبغه عقلی-نقلی دارند ولی خضر رازی از نقل استفاده کرده است، بیان می‌شود:

۱. در بحث یگانگی خداوند، به آیاتی چون: ﴿لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا﴾ (انبیاء: ۲۲)، ﴿أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهُ وَاحِدٌ﴾ (کهف: ۱۱۰؛ انبیاء: ۱۰۸؛ فصلت: ۶) و ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ (اخلاص: ۱) استدلال می‌کند (رازی، ۱۳۹۸: ۲۷-۲۸).

۲. برای اثبات پیراستگی خداوند از ظلم، از آیه ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ النَّاسَ شَيْئًا وَلَكِنَّ النَّاسَ أَنفُسُهُمْ يَظْلِمُونَ﴾ (یونس: ۴۴) کمک می‌گیرد (رازی، ۱۳۹۸: ۲۲).

۳. برای نفی رؤیت بصری خداوند، به آیه شریفه ﴿لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ﴾ (انعام: ۱۰۳) و ﴿لَنْ تَرَانِي﴾ (اعراف: ۱۴۳) (رازی، ۱۳۹۸: ۲۵)، و نیز سخن امام علی علیه السلام «لَا تُدْرِكُهُ الْعُيُونُ فِي مَشَاهِدَةِ الْأَبْصَارِ وَلَكِنَّ رَأْيَهُ الْقُلُوبُ بِحَقَائِقِ الْإِيمَانِ» (کلینی، ۱۴۰۷، ۱: ۹۸) استدلال کرده است (رازی، بی تا (الف): ۶۵).

۴. با استناد به آیه ﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُون﴾ (ذاریات: ۵۶) و آیه ﴿لَيْتَلَّا يَكُونَنَّ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ﴾ (نساء: ۱۶۵) بر اثبات حکیم بودن خداوند استدلال می‌کند (رازی، بی تا (الف): ۷۹).

۵. با تمسک به روایتی از امام علی علیه السلام که آن حضرت فرموده است: «فَلَسْنَا نَعْلَمُ كُنْهَ عَظَمَتِكَ» (سید رضی، ۱۴۱۴، ۲۲۵)، بر اثبات عدم امکان شناخت کنه ذات خداوند، استدلال می‌کند (رازی، بی تا (ب): ۲۳۸).

نفی عبث از فعل خداوند (رازی، بی تا (الف): ۷۹)، اثبات قدرت پیامبر بر انجام گناه با وجود عصمت (همان: ۹۲-۹۳)، قبیح بودن تقدیم مفضول بر فاضل (همان: ۹۵)، اثبات منزّه بودن پدران انبیاء از ویژگی‌های پست مانند کفر (همان: ۹۷)، از جمله مسائلی است که خضر رازی در اثبات آن‌ها از نقل بهره گرفته است.

#### ۶. شیوه مواجهه خضر رازی با اقوال و آراء دیگران در مسائل کلامی

خضر رازی به مناسبت بحث‌های کلامی آراء فرقه‌های کلامی را به خوبی گزارش می‌دهد. وی در مسائلی مانند کلام الهی (رازی، ۱۴۲۴: ۲۷۸) و مسأله جبر و تفویض (همان: ۲۹۴) نظرات فرقه‌های معتزله، اشاعره، کرامیه، حنابله و حتی آراء فلاسفه (همان: ۲۹۷) را بیان، و سپس با روش علمی آن‌ها را مورد نقد و بررسی قرار می‌دهد. وی پس از اثبات عدم اتحاد خداوند با غیر، اعتقاد نصاری که قائل به اتحاد خداوند با حضرت عیسی علیه السلام هستند و همچنین نظر برخی از صوفیه که معتقد به اتحاد خداوند با عارفی که به مرتبه نهایی رسیده را قبول نمی‌کند (همو، بی تا (الف): ۵۸)، همچنین نظر برخی که معتقدند جوهر عاقل زمانی که صورت عقلیه‌ای را تعقل کنند عین او می‌شود و یا نفس ناطقه هنگامی که معقولی را تعقل کند با عقل فعال متحد می‌شود، را نیز نمی‌پذیرد (همان).

روش برخورد و پاسخگویی به شبهات سه صورت دارد: ۱. اگر شبهه کننده اشکال خود را با دلیل بیان کند بدون آنکه از کلمات ناشایست استفاده کند، پاسخ دادن به شبهات او با الفاظ ناپسند، نشان از ضعف پاسخ دهنده است؛ ۲. اگر شبهه کننده اشکال خود را به همراه الفاظ ناپسند بیان کند به گونه‌ای که طرف مقابل را تحقیر و مسخره کند، در این صورت پاسخ دادن به شبهات او با الفاظ ناپسند از باب مقابله به مثل، حسن است؛ ۳. اگر شبهه کننده اشکالات خود را با الفاظ ناشایست بیان کند ولی پاسخ دهنده بدون توجه به آن کلمات، فقط به پاسخ علمی اکتفا کند، این روش،

جدال احسن خواهد بود.

شیوه برخورد علمی خضر رازی در مقابل شبهات یوسف مخزومی از نوع دوم است؛ زیرا یوسف مخزومی آراء و عقاید امامیه را در قالب شبهات با کلمات ناشایست که نشان از تحقیر و تمسخر دارد، بیان می‌کند (همو، ۱۴۲۴: ۵۲، ۴۵۸، ۴۶۱، ۴۶۵، ۴۶۸، ۵۱۷، ۵۱۸) و خضر رازی نیز از باب مقابله با مثل، چنین الفاظی را در نقد شبهات او به کار گرفته است (همان: ۳۶، ۴۷، ۵۲، ۶۸).

### نتیجه گیری

خضر رازی از جمله متکلمان بزرگ در قرن نهم است که کتاب‌های کلامی وی به دو قسم آثار شرحی و مستقل تقسیم می‌شود. وی در آثار کلامی خود از علوم عقلی و نقلی استفاده کرده است. و روش کلامی وی تلفیقی از عقل-فلسفی، غیر فلسفی- و نقل است. وی در صورت تعارض بین عقل با نقل، عقل را مقدم کرده و به تأویل نقل می‌پردازد. وی به عنوان متکلم مسئولیت پذیر، شبهات برخی از مخالفان که در رد بر مذهب شیعه نوشته شده بود، را مورد نقد قرار داده است.

## فهرست منابع

۱. قرآن کریم
۲. افندی، عبد الله بن عیسی بیگ، ۱۴۳۱، *ریاض العلماء و حیاض الفضلاء*، محقق: احمد حسینی اشکوری، بیروت، مؤسسه تاریخ عربی.
۳. امین، محسن، ۱۴۰۳، *اعیان الشیعه*، بیروت، دار التعارف للمطبوعات.
۴. امینی، محمد هادی، ۱۴۱۳، *معجم رجال الفكر و الادب في النجف خلال الف عام*، بی جا، بی نا.
۵. آقا بزرگ تهرانی، محمد محسن، ۱۴۰۳، *الذریعه الی تصانیف الشیعه*، بیروت، دار الأضواء.
۶. بغدادی، اسماعیل، ۱۹۵۱م، *هدیه العارفین*، اسماء المؤلفین و آثار المصنفین، مصحح: محمد مهدی خراسان، بیروت، دار احیاء تراث عربی.
۷. حر عاملی، محمد بن حسن، بی تا، *امل الامل في علماء جبل عامل*، محقق: احمد حسینی اشکوری، بغداد، مکتبه الاندلس.
۸. حکیم، حسن عیسی، ۱۴۲۷، *المفصل في تاریخ النجف الاشرف*، قم، حیدریه.
۹. رازی حبلرودی، خضر، ۱۳۹۸، *تحفه المتقین في بیان اصول الدین*، تصحیح: علی عزیز پوریان، قم، انتشارات علمیه.
۱۰. رازی حبلرودی، خضر، بی تا (الف)، *مفتاح الفرر لفتح باب الحادی عشر*، نسخه خطی موجود در کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، کد راهنما: ۴۶۳۸.
۱۱. رازی حبلرودی، خضر، بی تا (ب)، *التحقیق المبین في شرح نهج المسترشدین في اصول الدین*، نسخه خطی موجود در کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار (شهید مطهری)، کد راهنما: ۱۲۷۱.
۱۲. رازی حبلرودی، خضر، ۱۴۲۴، *التوضیح الانور بالحجج الوارده لدفع شبه الاعور*، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۱۳. سبحانی، جعفر، ۱۴۲۴، *معجم طبقات المتکلمین*، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام.
۱۴. شریف الرضی، محمد بن حسن، ۱۴۱۴، *نهج البلاغه*، تصحیح: صالح صبحی، قم، هجرت.
۱۵. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷، *کافی*، تصحیح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دار الکتب الاسلامی.
۱۶. مدرس تبریزی، محمد علی، ۱۳۶۹ش، *ریحانه الادب في تراجم المعرفین بالکنیه او*

اللقب، تهران، خیام.

۱۷. مطهری، مرتضی، ۱۳۹۲، کلیات علوم اسلامی جلد ۳ (اصول و فقه)، قم، صدرا.

کلام اسلامی

سال بیست و نهم، شماره صد و شانزده